

بررسی تطبیقی تعلیمی نقش‌های نمادین پرندگان

در خسرو و شیرین و لیلی و مجنون*

حمید ایاز^۱

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران جنوب - ایران

احمد خاتمی^۲

استاد زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه شهید بهشتی - ایران

چکیده

نمادها بخشی از فرهنگ یک ملت هستند که برای درک بهتر اسطوره‌ها و آثار ادبی آن ملت باید به مفاهیم آن‌ها پی برد. نماد، علامت، اشاره یا کلمه‌ای است که پیامی گاه متناسب با ظاهر و گاه ورای معنی ظاهری خود دارد. نمادها در تمامی عرصه‌های هستی جایی برای خود گشوده‌اند. جانوران، گیاهان، آدمیان، اشیا و ... مصادیقی هستند که با نمادها در پیوندند. این پژوهش بر آن است تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد که بسامد نام پرندگان در خسرو و شیرین و لیلی و مجنون چگونه است؟ هر یک از پرندگان در این دو اثر در چه مفاهیم نمادینی به کار رفته‌اند؟ آیا بین مفهوم نمادین آن‌ها تطابق وجود دارد یا خیر؟ برای به دست آوردن پاسخی علمی، نخست این دو اثر مورد مطالعه‌ی دقیق قرار گرفته؛ آن گاه مفاهیم نمادین نهفته در لابه‌لای پیام‌ها و صورخیال موجود در این دو اثر برجسته شده؛ نیز مفاهیمی که دارای مایه‌های غنایی هستند مشخص گردیده؛ سرانجام به مقایسه‌ی این مفاهیم با زبان نمودار پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: ادبیات غنایی، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، نمادپردازی، پرندگان.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۷/۱۱

۱. پست الکترونیکی نویسنده‌ی مسؤول: takhtehsiyah_1@yahoo.com

۲. پست الکترونیکی: A_khatami@sbu.ac.ir

مقدمه

پرنندگان در اندیشه‌ها و اسطوره‌های مردمان باستان، جایگاهی ویژه دارند. بی‌گمان حضور چشمگیر این موجودات در زندگی گذشتگان در توجه به آن‌ها تأثیر داشته است. بهره‌گیری انسان‌ها از پرنندگان گذشته از جنبه‌های مادی، از جهت معنوی و روانی نیز بوده است؛ زیرا در داستان‌ها که با اسطوره‌ها آمیخته شده‌اند با پرنندگانی روبه‌رو هستیم که مثلاً نقش طیب، پرستار و یا قاصد پیدا کرده‌اند.

آن چه در اسطوره‌ها کاملاً چشم‌گیر است، مفاهیمی است که آدمیان آن‌ها را به عنوان یک نشانه و رمز در بین خود قرار داده‌اند و امروزه از آن با نام نماد یاد می‌شود. نماد بیانگر یک مفهوم ساده نیست؛ بلکه ابزاری است، برای انعکاس ویژگی‌های درونی و برونی اشیا و موجودات زنده.

هدف از انجام این پژوهش مقایسه‌ی مفاهیم نمادین پرنندگان در خسرو و شیرین و لیلی و مجنون و نیز برجسته ساختن مواردی از این مفاهیم که سرشار از مایه‌های غنایی است. برای دستیابی به این مقصود این دو اثر مطالعه شده و بسامد نام پرنندگان و مفاهیم نمادین آن‌ها مشخص گردیده است. نتیجه‌ای که از مجموع این یافته‌ها به دست آمد نشانگر این است که بین ۲۹/۵ درصد مفاهیم نمادین پرنندگان در این دو اثر تطابق کامل وجود دارد و نیز ۳۴ درصد مفاهیم نمادین پرنندگان دارای مایه‌های غنایی است.

درباره‌ی نقش جانوران در آثار ادبی تحقیقاتی انجام شده است؛ ولی تمامی پژوهش‌ها کلیاتی را از نقش‌های جانوران بیان کرده‌اند؛ حال آن که در این مقاله با نگاهی ژرف به تحلیل و مقایسه‌ی تمامی مفاهیم نمادین پرنندگان در خسرو و شیرین و لیلی و مجنون پرداخته و آن مفاهیمی را که بار غنایی دارند برجسته شده است.

باز

باز پرنده‌ای است شکاری. این پرنده که در آیین زرتشتی موجودی اهورایی است (دادگی، ۱۳۸۵: ۹۹) فقط در خسرو و شیرین بیست و پنج بار آمده است تا بیانگر این مفاهیم باشد:

۱. بلندپروازی

نظامی در مدح قزل‌ارسلان و برای بیان بلندپروازی و بلندپایگی او، سایبانش را هم‌چون بازی بلندپرواز می‌داند که به مقام عنقا خواهد رسید:

به بازِ چترِ عنقا را بگیرد به تاج زرِ ثریا را بگیرد

(نظامی، ۱۳۹۲: ۱۲۰)

۲. سپیدی و روشنی

باز سپید بیانگر مفهوم روشنی و سفیدی است؛ به همین سبب استعاره از خورشید و روز، بخت نیک و زیبارو قرار می‌گیرد.^۱ در بیت زیر استعاره از خورشید است:

مگر باز سپید آمد فرا دست که گلزار شب از باغ سیه رست

(همان: ۴۲۹)

۳. قدرت و تسلط

به همین دلیل در جایگاه مشابه نشسته است تا بیانگر مفهوم قدرت عشق باشد:

تو را این کبک بشکستن^۲ چه سودست که باز عشق چون کبکت ربودست

(همان: ۲۴۴)

۴. حلال‌خوری

حلالی خور چو بازان شکاری مکن چون کرکسان مردارخواری

(همان: ۴۰۶)

| بررسی تطبیقی مفاهیم نمادین باز در دو اثر نظامی | | |
|--|--------------|------------------|
| لیلی و مجنون | خسرو و شیرین | مفاهیم نمادین |
| | | ۱. بلندپروازی |
| | * | ۲. سپیدی و روشنی |
| | * | ۳. قدرت و تسلط |
| | * | ۴. حلال‌خوری |

بلبل

اسم بلبل در خسرو شیرین نه بار و در لیلی و مجنون ده بار به دو صورت بلبل و هزارستان به کار رفته است تا منعکس کننده مفاهیم نمادین زیر باشد که هر دو نیز دارای مایه‌های غنایی است:

۱. خواننده و سراینده‌ی خوش‌آواز^۳

نظامی در خسرو و شیرین و لیلی و مجنون در توصیف شعر و کلام خود می‌گوید:

نه گل دارد بدین تری هوایی نه بلبل زآن نوآیین‌تر نوایی

(همان: ۵۱۵)

پروانه‌ی دل چراغ بر دست من بلبل باغ و باغ سرمست

(همان، ۱۳۹۱: ۴۳)

۲. عاشق^۴

در کنار خسرو، فرهاد نیز دل‌داده و عاشق شیرین می‌گردد. نظامی این موضوع را چنین به تصویر می‌کشد:

دو هم‌میدان به هم بهتر گرایند دو بلبل بر گلی خوشتر سرایند

(همان، ۱۳۹۲: ۳۰۷)

مجنون از بخت خود می‌نالند و خطاب به لیلی می‌گوید: من درد عشق کشیده‌ام؛ ولی تو نصیب کسی شده‌ای که از عشق بی‌خبر است.

باغ ار چه ز بلبلان پر آبست انجیر نواله‌ی غرابست

(همان، ۱۳۹۱: ۲۱۲)

| بررسی تطبیقی مفاهیم نمادین بلبل در دو اثر نظامی | | |
|---|--------------|-----------------------|
| لیلی و مجنون | خسرو و شیرین | مفاهیم نمادین |
| * | * | ۱. آوازخوان و خواننده |
| * | * | ۲. نماد عاشق |

تذرو

تذرو که با سرو ارتباط دارد و در ابیاتی از این دو اثر بر شاخه‌ی آن به تصویر کشیده شده است، نامش نه بار در خسرو شیرین و چهار بار در لیلی و مجنون آمده است تا بیانگر این مفاهیم غنایی باشد:

۱. زیبایی

آن گاه که شیرین در چشمه آب تنی می‌کند، خسرو به نظاره‌ی او می‌نشیند؛ ناگهان شیرین متوجه شاه می‌شود؛ نظامی برای بیان زیبایی اسب خسرو آن را به تذرو تشبیه می‌کند و می‌گوید:

همایی دید بر پشت تذروی به بالای خدنگی رسته سروی

(همان، ۱۳۹۲: ۱۸۶)

در توصیف لیلی آمده است:

قدش چو کشیده زاد سروی رویش چو به سرو بر، تذروی

(همان، ۱۳۹۱: ۱۱۳)

۲. نماد خوش رفتاری و خوش خرامی (فقط در خسرو و شیرین)

بدین طاووس کرداری همایی روان شد چون تذروی در هوایی

(همان، ۱۳۹۲: ۳۶۹)

| بررسی تطبیقی مفاهیم نمادین تذرو در دو اثر نظامی | | |
|---|--------------|---------------------------|
| لیلی و مجنون | خسرو و شیرین | مفاهیم نمادین |
| * | * | ۱. زیبایی |
| * | * | ۲. خوش رفتاری و خوش خرامی |

جغد

جغد مرغی است که در ویرانه‌ها ماوا دارد. از این پرنده در لیلی و مجنون نام برده نشده؛

ولی چهار بار و با دو اسم جغد و بوم در خسرو و شیرین آمده که دو مورد آن در معنی حقیقی خود است و دو مورد دیگر نماد "شخص فرومایه، دون پایه و پست"^۹ وقتی خسرو از مریم می‌خواهد که اجازه دهد، شیرین را به قصر بیاورد، مریم برآشفته می‌شود و می‌گوید:

همان به کو درآن وادی نشیند که جغد آن به که آبادی نبیند

(همان: ۲۸۴)

جغد در باور دینی بسیاری از مردم دنیا پرنده‌ای بداقبال است و شنیدن فریاد آن در دل شب شوم است. (انوشه، ۱۳۸۱: ۴۵۳) به استثنای آیین زرتشتی؛ و بر اساس باور دینی زرتشتیان به این دلیل آشیانه‌ی خود را در بیابان‌ها و ویرانه‌ها می‌سازد که دیوان در آن جایگیر نشوند. (دادگی، ۱۳۸۵: ۱۰۲)

| بررسی تطبیقی مفاهیم نمادین جغد در دو اثر نظامی | | |
|--|--------------|-----------------------------|
| لیلی و مجنون | خسرو و شیرین | مفاهیم نمادین |
| | * | شخص فرومایه، دون پایه و پست |

خروس

نام خروس نه بار فقط در خسرو و شیرین آمده است. قبل از بیان مفاهیم نمادین خروس اشاره شود که خروس در فرهنگ ایرانیان باستان مرغی است اهورایی (پورداوود، ۲۵۳۶: ۸۹)؛ و هم اوست که همراه با سگ در برانداختن دشمنان از همکاران سروش است (همان، ۱۳۸۰: ۳۲۰)؛ چرا که نویدگر آمدن خورشید و پیام‌آور آغاز روشنی است:

شنیدم گر به شب دیوی زند راه خروس خانه بردارد علی‌الله

(نظامی، ۱۳۹۲: ۳۵۹)

این اندیشه از ایران در اسطوره‌های یونان نفوذ کرده است؛ (خالقی مطلق، ۲۵۳۶: ۶۱۶) و شاعران یونان در اشعار خود، این پرنده را "مرغ ایرانی" نامیده‌اند. (پورداوود، ۲۵۳۶: ۵۲۱) از بین مفاهیم زیر دو مفهوم اول غنایی است:

۱. خروس نماد آوازخوانی

صراحی چون خروسی ساز کرده
خروسی کاو به وقت آواز کرده
(نظامی، ۱۳۹۲: ۲۰۰)

۲. نماد زیبایی

بیت زیر جام شراب را خروس زیبایی می‌داند که تیهو و دراج از رشک زیبایی‌اش،
بی‌قرارند.

ز رشک آن خروس آتشین تاج
گهی تیهو بر آتش گاه دراج
(همان: ۲۰۰)

۲. آواز خروس نماد صبح و روشنایی

چه شب بود آن‌که با صد دیو چون قیر
خروسی را نبود آواز تکبیر
(همان: ۳۵۹)

| بررسی تطبیقی مفاهیم نمادین خروس در دو اثر نظامی | | |
|---|--------------|---------------------------------|
| لیلی و مجنون | خسرو و شیرین | مفاهیم نمادین |
| | * | ۱. آوازخوانی |
| | * | ۲. زیبایی |
| | * | ۳. آواز خروس نماد صبح و روشنایی |

دراج

نام دراج در این دو اثر پنج بار (دو بار در خسرو و شیرین و سه بار در لیلی و مجنون) آمده
است تا بیانگر دو مفهوم غنایی زیر باشد:

۱. خوش آوازی و خوش لحن بودن

نوای بلبل و آوای دراج
شکيب عاشقان را داده تاراج
(نظامی، ۱۳۹۲: ۲۲۷)

نظامی در بیت زیر از لیلی و مجنون، خود را به سان دراجی خوش‌لحن و خوش‌آواز می‌داند که به بیان نکته‌های زیبا می‌پردازد:

مقار قلم به لعل سفتن دراج زبان به نکته گفتن

(همان، ۱۳۹۱: ۴۳)

۲. نالان بودن و بی‌قراری

در بیت زیر "بر آتش بودن" کنایه‌ای با این مفهوم است.

ز رشک آن خروس آتشین تاج گهی تیهو بر آتش گاه دراج

(همان، ۱۳۹۲: ۲۰۰)

هر یک از دو مصرع بیت زیر از لیلی و مجنون کنایه‌هایی با مفهوم نالان بودن است.

دراج ز دل کبابی انگیخت قمری نمکی ز سینه می‌ریخت

(همان، ۱۳۹۱: ۱۱۷)

| بررسی تطبیقی مفاهیم نمادین دراج در دو اثر نظامی | | |
|---|--------------|---------------|
| لیلی و مجنون | خسرو و شیرین | مفاهیم نمادین |
| * | * | ۱. خوش‌آوازی |
| * | * | ۲. نالان بودن |

زاغ

زاغ در این دو اثر نظامی با نام‌های کلاغ، زاغ و غراب کاربرد دارد. این پرنده که در آیین زرتشتی موجودی اهورایی است (اوستا، ۱۳۸۵: ۶۸۰)، در خسرو و شیرین بیست و چهار بار و در لیلی و مجنون پانزده بار آمده تا علاوه بر معنای حقیقی خود، بیانگر این مفاهیم نیز باشد:

۱. چیز بی‌ارزش یا شخص دون‌پایه و زشت‌رو^۶ (فقط در خسرو و شیرین)

وقتی شیرین در شب عروسی با شیطنت پیرزنی را به جای خود به حجله می‌فرستد،

خسرو...

کلاغی دید بر جای همایی شده در مهد ماهی، ازدهایی
(نظامی، ۱۳۹۲: ۴۵۱)

۲. نماد سیاهی

زاغ با سیاهی پیوند دارد؛ به همین سبب به جای چیزهایی به کار می‌رود که ویژگی بارز آن‌ها تیرگی است. در بیت زیر "باز" استعاره از شیرین و "زاغ" استعاره از شب‌دیز است:

مه و شب‌دیز را در باغ می‌جست به چشمی باز و چشمی زاغ می‌جست...
از آن زاغ سبک پَر مانده با داغ جهان تاریک بر وی چون پر زاغ

(همان: ۱۸۸)

زلفش چو شبی رخس چو باغی یا مشعله‌ای به چنگ زاغی
(همان، ۱۳۹۱: ۷۸)

در لیلی و مجنون حکایتی آمده است از سخن گفتن مجنون با زاغ. این حکایت سرشار از مایه‌های غنایی است:

«روزی مجنون، کنار حوض آبی نشسته بود. ناگهان زاغی با بال و پری چون زلف بتان، سیاه، بر شاخه‌ی آن درخت دید. به آن سیه‌جامه گفت: (شبرنگ چرایی ای شب‌افروز/ روزت به چه شد سیه بدین روز) غم عشق بر دل من نشسته است؛ چرا تو سیه پوشیده‌ای؟ مجنون که آن زاغ را چون خود می‌بیند و حس می‌کند، او دردش را نیک می‌فهمد، وی را به عنوان قاصدی به سوی یار می‌فرستد: و می‌گوید: به لیلی بگو: به من توجه کن که من در این درد خواهم مرد. آن قدر حرف‌های مجنون آتشین بود که زاغ از این شاخه به آن شاخه می‌پرد تا بی‌تابی خود را تسکین دهد. سپس پر گرفت تا برود و پیام‌برنده‌ی عاشق دل‌سوخته باشد.»

(همان: ۵۱ - ۱۴۹)

۳. چشم زاغ نماد زیبایی است.

ز عیب نیک‌مردان دیده بردوز هنر دیدن ز چشم بد درآموز
هنر بیند چو عیب این چشم جاسوس تو چشم زاغ بین نه پای طاووس

(همان، ۱۳۹۲: ۲۷۶)

در بیت زیر "پر زاغ" استعاره از شب تیره و "چشم زاغ" بیانگر مفهوم زیبایی است:
گفتی که ستارگان چراغند یا در پر زاغ چشم زاغند

(همان، ۱۳۹۱: ۱۵۱)

۴. **نماد بی‌بهرگی از عشق^۶** (مفهوم زیر غنایی است).

زاغ در دو بیت از ابیات لیلی و مجنون در مقابل بلبل و فاخته که به گونه‌ای با عشق پیوند دارند قرار می‌گیرد تا بیانگر مفهوم بی‌بهرگی از عشق باشد. در بیت زیر آمده: سرابای وجود مجنون عاشق لیلی است و اوست که درد عشق کشیده است؛ ولی ابن سلام به لیلی می‌رسد:

این فاخته رنج برد بر باغ چون میوه رسید می‌خورد زاغ

(همان: ۱۶۷)

| بررسی تطبیقی مفاهیم نمادین زاغ در دو اثر نظامی | | |
|--|--------------|-----------------------------|
| لیلی و مجنون | خسرو و شیرین | مفاهیم نمادین |
| | * | ۱. چیز بی‌ارزش و عاشق محزون |
| * | * | ۲. سیاهی |
| * | * | ۳. چشم زاغ نماد زیبایی |
| * | | ۴. نماد بی‌بهرگی از عشق |

شاهین

شاهین پرنده‌ای است قوی و تیزچنگال؛ اسم این پرنده کاربرد زیادی در این دو اثر ندارد؛ چهار بار در خسرو شیرین و یک بار در لیلی و مجنون آمده است و در اغلب این موارد نماد "شخص بزرگ‌زاده و قدرتمند"^۷ است.

شکر بسیار و بادام اندکی بود کبوتر بی‌حد و شاهین یکی بود

(همان، ۱۳۹۲: ۲۳۸)

لیلی که دل در گروه عشق مجنون دارد گاه با خود می‌گوید: چون کبکی از دست پدر و شوی بگریزد؛ ولی ناگاه به این می‌اندیشد که شاهین وجود آن دو، قدرتمندتر از این خیال‌های واهی است:

که گوید نام و ننگ بنشین کز کبک قوی ترست شاهین

(همان، ۱۳۹۱: ۲۰۲)

| بررسی تطبیقی مفاهیم نمادین شاهین در دو اثر نظامی | | |
|--|--------------|-------------------------|
| لیلی و مجنون | خسرو و شیرین | مفاهیم نمادین |
| * | * | شخص بزرگ‌زاده و قدرتمند |

طاووس

ارسطو معتقد است که طاووس پرنده‌ای ایرانی بوده و از ایران به یونان برده شده است. (وازر، ۱۳۶۸: ۵۲۷) نام این پرنده در خسرو و شیرین بیست و سه بار و در لیلی و مجنون فقط دو بار به کار رفته است. یکی از دو مورد کاربرد در لیلی و مجنون در معنی حقیقی خود است و مورد دیگر استعاره از جبرئیل:

طاووس پیران چرخ اخضر هم بال فکنده با تو هم پر

(نظامی، ۱۳۹۱: ۳۴)

این پرنده در خسرو و شیرین نیز در یک مورد استعاره از جبرئیل است؛ نظامی در وصف معراج و تندتازی براق پیامبر و این که جبرئیل از هم‌رکابی‌اش بازماند، می‌گوید:

بدان پرندگی طاووس اخضر فکنده سرعتش هم بال و هم پر

(نظامی، ۱۳۹۲: ۵۰۱)

طاووس در خسرو و شیرین به سبب پر و بال و پایش با این مفاهیم همراه است:

۱. درخشندگی و روشنایی

چو طاووس فلک بگریخت از باغ به گل چیدن به باغ آمد سیه زاغ

(همان: ۲۲۴)

۲. رنگارنگی^۹

می رنگین زهی طاووس بی‌مار لب شیرین خهی خرمای بی‌خار

(همان: ۲۳۸)

۳. نماد زیبایی^{۱۰} (این مفهوم غنایی است.)

دگر ره لعبت طاووس پیکر گشاد از درج لؤلؤ تنگ شکر

(همان: ۳۸۰)

۴. پای طاووس نماد زشتی است.

هنر بیند چو عیب این چشم جاسوس تو چشم زاغ بین نه پای طاووس

(همان: ۲۷۶)

| بررسی تطبیقی مفاهیم نمادین طاووس در دو اثر نظامی | | |
|--|--------------|--------------|
| مفاهیم نمادین | خسرو و شیرین | لیلی و مجنون |
| ۱. استعاره از جبرئیل | * | * |
| ۲. درخشندگی | * | |
| ۳. رنگارنگی | * | |
| ۴. زیبایی | * | |
| ۵. پای طاووس نماد زشتی است. | * | |

طوطی

طوطی پرنده‌ای است زیبا که نامش چهار بار در خسرو و شیرین و یک بار در لیلی و مجنون به کار رفته است تا بیانگر این مفاهیم نمادین باشد:

۱. سبز بودن

این مفهوم در هر دو اثر نظامی آمده. طوطی در بیت زیر به سبب سبز بودن استعاره از آسمان قرار گرفته و در بیت دوم به همین دلیل سرو به آن تشبیه شده است.

نهاد از حوصله باغ سینه‌پر به زیر پر طوطی خایه‌ی زر

(همان: ۱۴۹)

تنها بنشست زیر سروی چون در پر طوطی تدروی

(همان، ۱۳۹۱: ۱۱۸)

مفاهیمی که فقط در خسرو و شیرین آمده است:

۲. گرفتاری و در بند بودن^{۱۱}

شیرین در پیامی خطاب به خسرو می‌گوید:

چو طوطی ساخته با آهنین بند به تنهایی چو عنقا گشته خرسند

(همان، ۱۳۹۲: ۳۷۵)

۳. نماد کسی که به رشد عقلی نرسیده

ز شیرینی بزرگان ناشکینند به شکر طفل و طوطی را فریبند

(همان: ۳۵۴)

| بررسی تطبیقی مفاهیم نمادین طوطی در دو اثر نظامی | | |
|---|--------------|------------------------------|
| لیلی و مجنون | خسرو و شیرین | مفاهیم نمادین |
| * | * | ۱. نماد سبز بودن |
| * | * | ۲. گرفتاری و در بند بودن |
| * | * | ۳. کسی که به رشد عقلی نرسیده |

عقاب

عقاب پرنده‌ای تیزچنگال، بزرگ و بلندپرواز است. نام این پرنده در خسرو و شیرین یازده بار و در لیلی و مجنون فقط یک بار به کار رفته تا بیانگر مفاهیم نمادین زیر باشد:

۱. عظمت و بزرگی^{۱۲}

نظامی در مورد شکست خسرو پرویز از مسلمانان در جنگ ذیقار، عظمت و بزرگی خسرو و لشکریانش را چونان عقابی می‌داند که به وسیله‌ی کبوتر اسلام از بین رفت.

تبه شد لشکرش در حرب ذیقار عقابش را کبوتر زد به منقار

(همان: ۴۹۸)

گسترده‌بال بودن یکی از صفات عقاب است؛ در لیلی و مجنون آمده که مجنون آن‌چنان با

جانوران اخت شده که مثلاً عقاب با گشودن بال‌هایش بر او سایه انداخته بود:

از پر عقاب سایه‌بانش در سایه‌ی کرکس استخوانش

(همان، ۱۳۹۱: ۱۸۸)

دو مفهوم زیر فقط در خسرو و شیرین آمده است:

۲. تندسیر بودن^{۱۳}

پری‌رویان در حضور خسرو و شیرین شادمانه به سوارکاری می‌پردازند. نظامی برای نشان دادن سرعت و تندتازی آن مهرویان، آن‌ها را به عقابانی تندسیر تشبیه می‌کند.

روان شد هر مهی چون آفتابی پدید آمد ز هر کبکی عقابی

(همان، ۱۳۹۲: ۲۲۳)

۲. قدرتمندی

به ذره آفتابی را که گیرد؟ به گنجشکی عقابی را که گیرد؟

(همان: ۱۲۸)

| بررسی تطبیقی مفاهیم نمادین عقاب در دو اثر نظامی | | |
|---|--------------|--------------|
| مفاهیم نمادین | خسرو و شیرین | لیلی و مجنون |
| ۱. عظمت و بزرگی | * | * |
| ۲. تندسیر بودن | * | |
| ۳. قدرتمندی | * | |

عنقا

عنقا یا سیمرغ که در آیین زرتشتی موجودی اهورایی است (اوستا، ۱۳۸۵: ۴۳۹)، به هر دو صورت فقط در خسرو و شیرین دوازده بار آمده است تا بیانگر این مفاهیم باشد:

۱. بلندمرتبگی^{۱۴}

نظامی در مدح طغرل ارسلان و بلندمرتبگی وی گوید:

به بازچتر عنقا را بگیرد به تاج زر ثریا را بگیرد
(نظامی، ۱۳۹۲: ۱۲۰)

۲. نماد تنهایی^{۱۵}

چو مشک از ناف خلوت بوگرفتم به تنهایی چو عنقا خو گرفتم
(همان: ۱۲۸)

۳. پنهان بودن

خسرو در مورد شیرین و به سرعت تاختن و ناپدید شدن او به مهین بانو می‌گوید:
شنیدم کادهم توسن کشیدش چو عنقا کرد از این جا ناپدیدش
(همان: ۲۰۶)

۴. قدرت و عظمت

ندارد پای پیلان خانه‌ی مور نباشد پشه با سیمرخ هم‌زور
(همان: ۴۲۶)

۵. پاکی

ز سیمرغی برد قلاب‌کاری دهد پروانه‌ای را قلب‌داری^{۱۶}
(همان: ۴۹۵)

| بررسی تطبیقی مفاهیم نمادین عنقا در دو اثر نظامی | | |
|---|--------------|----------------|
| لیلی و مجنون | خسرو و شیرین | مفاهیم نمادین |
| | * | ۱. بلندمرتبگی |
| | * | ۲. تنهایی |
| | * | ۳. پنهان بودن |
| | * | ۴. قدرت و عظمت |
| | * | ۵. پاکی |

فاخته

فاخته که نام دیگر آن قمری است، دو بار در خسرو و شیرین و سه بار در لیلی و مجنون به کار رفته و با این مفاهیم غنایی نمادین همراه است:

۱. بهار و آمدن آن (فقط در خسرو و شیرین)

فاخته در فصل بهار و پایان زمستان با بیرون راندن زاغان به باغ می‌آید؛ به همین سبب در خسرو و شیرین نماد بهار قرار گرفته است:

گل از شادی علم در باغ می‌زد سپاه فاخته بر زاغ می‌زد

(همان: ۲۲۶)

۲. عاشق محزون^{۱۷} (فقط در لیلی و مجنون)

مجنون خود را دل سوخته‌ای می‌داند و در شکایت از لیلی به باد می‌گوید به او بگو ...

این فاخته رنج برد بر باغ چون میوه رسید می‌خورد زاغ

(همان، ۱۳۹۱: ۱۶۷)

| بررسی تطبیقی مفاهیم نمادین فاخته در دو اثر نظامی | | |
|--|--------------|---------------------------|
| لیلی و مجنون | خسرو و شیرین | مفاهیم نمادین |
| | * | ۱. نماد بهار و آمدن آن |
| * | | ۲. نماد عاشق و عاشق محزون |

کبک

کبک، پرنده‌ای است خوش خرام. پانزده بار در خسرو و شیرین و شش بار در لیلی و مجنون آمده است تا علاوه بر کاربرد حقیقی بیانگر این مفاهیم نمادین باشد:

۱. شخص زیبای خوش خرام^{۱۸} (این مفهوم غنایی است).

وقتی شیرین با شیرین‌کاری مادرخوانده‌ی خود را به حجله‌ی خسرو می‌فرستد، خسرو از

نحوه‌ی راه رفتن آن پیرزن متوجه می‌شود که او معشوق خوش خرام او نیست:

و لیک این مایه بودش هوشیاری
 که خوش تر زآن رود کبک بهاری
 (همان، ۱۳۹۲: ۴۵۱)

لیلی با خود می‌گوید:

که عشق دلم دهد که برخیز
 زین زاغ و زغن چو کبک بگریز
 (همان، ۱۳۹۱: ۲۰۲)

۲. نماد ضعف (فقط در لیلی و مجنون)

کبک وقتی که در مقابل شاهین قرار می‌گیرد، بیانگر مفهوم ضعف و ناتوانی است:
 که کبک قوی‌تر است شاهین
 که گوید نام و ننگ بنشین
 (همان: ۲۰۲)

| بررسی تطبیقی مفاهیم نمادین کبک در دو اثر نظامی | | |
|--|--------------|------------------|
| لیلی و مجنون | خسرو و شیرین | مفاهیم نمادین |
| * | * | ۱. زیبای خوشخرام |
| * | | ۲. ضعف |

هما

نام این پرنده که در دین زرتشتی موجودی اهورایی است (رضی، ۱۳۸۵: ۹۲۳) در خسرو و شیرین ده بار و در لیلی و مجنون فقط یک بار آمده است تا بیانگر مفاهیم زیر باشد:

۱. سعادت بخشی

خسرو بعد از آشنایی آغازین با شیرین مدتی از دلبر و شبدیز جدا می‌گردد؛ به همین سبب سخت غمگین می‌شود و با خود می‌گوید:
 همایی بر سرم می‌داد سایه
 سریرم را ز گردون کرد پایه
 بر آن سایه چو مه دامن فشاندم
 چو سایه لاجرم بی‌نور ماندم
 (نظامی، ۱۳۹۲: ۱۸۸)

نظامی در لیلی و مجنون در ستایش ممدوح خود خطاب به او می‌گوید:

مرغی که همای نام دارد چون فرخی تمام دارد
این مرغ که مهرتست مایه‌ش نه شگفت که فرخ است سایه‌ش
(همان، ۱۳۹۱: ۵۵)

مفاهیمی که فقط در خسرو و شیرین آمده است:

۲. سلطنت و سلطنت‌بخشی

دوست نظامی خطاب به او می‌گوید: تو زین پس بر سرزمین شعر و شاعری سلطنت کن و این ولایت را به بی‌مایگان نسپار.

همایی کن برافکن سایه بر کار ولایت را به جغدی چند مگذار
(همان، ۱۳۹۲: ۱۴۲)

۳. شخص بزرگ و باعظمت

همایی دید بر پشت تدروی به بالای خدنگی رسته سروی
(همان: ۱۸۶)

۴. سرعت

در توصیف سرعت اسب شیرین (گلگون) آن را به هما تشبیه می‌کند و می‌گوید:
بدان پرندگی زیرش همایی پری می‌بست در هر زیر پایی
(همان: ۲۰۸)

۵. شخص ارجمند و عزیز (این مفهوم غنایی است).

به شیرین گفت کای چشم و چراغم همای گلشن و طاووس باغم
(همان: ۳۹۲)

| بررسی تطبیقی مفاهیم نمادین هما در دو اثر نظامی | | |
|--|--------------|-----------------------|
| لیلی و مجنون | خسرو و شیرین | مفاهیم نمادین |
| * | * | ۱. سعادت بخشی |
| | * | ۲. سلطنت و سلطنت بخشی |
| | * | ۳. شخص بزرگ و با عظمت |
| | * | ۴. سرعت |
| | * | ۵. شخص ارجمند و عزیز |

نتیجه

پرندگان در زندگی مردمان این کره‌ی خاکی نقش مادی و معنوی داشته‌اند و در اسطوره‌ها و داستان‌ها به عنوان **نماد** جایی برای خود گشوده‌اند.

آن‌ها هم‌چون دیگر موجودات از توانایی‌ها و ویژگی‌هایی (قدرت، سودرسانی، تقدس، آسیب‌رسانی و ...) برخوردارند و بارز بودن یک ویژگی در پرنده‌ای خاص سبب شده است که آن ویژگی به صورت مفهومی نمادین درآید؛ به همین دلیل نظامی نیز چون دیگر گویندگان، برای نشان دادن صفت بارز یک موجود از صور خیال بهره می‌گیرد؛ بدین گونه که پیوندی بین پرنده‌ی دارنده‌ی یک صفت و آن فرد انسانی یا شی برقرار می‌کند و این چنین یک ویژگی را برجسته می‌سازد.

با دقت در جدول زیر که به بررسی آماری بسامد نام پرندگان، تعداد و درصد مفاهیم مشترک و تعداد مفاهیم نمادین غنایی پرندگان در خسرو و شیرین و لیلی و مجنون می‌پردازد، به نتایجی دست می‌یابیم:

| جدول آماری بسامد نام و تعداد مفاهیم نمادین پرندگان در دو اثر نظامی | | | | | | | |
|--|-----------------------------------|-----------------------------------|--------------------------------|----------------------------------|----------------------------------|--|--|
| پرند | بسامد نام پرندگان در خسرو و شیرین | بسامد نام پرندگان در لیلی و مجنون | تعداد کل مفاهیم نمادین پرندگان | تعداد مفاهیم فقط در خسرو و شیرین | تعداد مفاهیم فقط در لیلی و مجنون | تعداد مفاهیم نمادین دارای مایه‌ی غنایی | |
| باز | ۲۵ | ۰ | ۴ | ۴ | ۰ | ۰ | |
| بلبل | ۹ | ۱۰ | ۲ | ۰ | ۲ | ۲ | |
| تذرو | ۹ | ۴ | ۲ | ۱ | ۰ | ۲ | |
| جغد | ۴ | ۰ | ۱ | ۱ | ۰ | ۰ | |
| خروس | ۹ | ۰ | ۳ | ۳ | ۰ | ۲ | |
| دراج | ۲ | ۳ | ۲ | ۰ | ۲ | ۲ | |
| زاغ | ۲۴ | ۱۵ | ۴ | ۱ | ۱ | ۲ | |
| شاهین | ۴ | ۱ | ۱ | ۱ | ۰ | ۰ | |
| طاووس | ۲۳ | ۲ | ۵ | ۴ | ۱ | ۱ | |
| طوطی | ۴ | ۱ | ۳ | ۲ | ۰ | ۰ | |
| عقاب | ۱۱ | ۱ | ۳ | ۲ | ۰ | ۰ | |
| عنقا | ۱۲ | ۰ | ۵ | ۵ | ۰ | ۰ | |
| فاخته | ۲ | ۳ | ۲ | ۱ | ۱ | ۲ | |
| کبک | ۱۵ | ۶ | ۲ | ۰ | ۱ | ۱ | |
| هما | ۱۰ | ۱ | ۵ | ۴ | ۱ | ۱ | |
| جمع | ۱۶۳ | ۴۷ | ۴۴ | ۲۸ | ۳ | ۱۵ | |

۱. نام پرندگان به استثنای دو مورد (بلبل و فاخته) در خسرو و شیرین بسامد بیشتری نسبت به لیلی و مجنون دارد^{۱۹}. (در مجموع بسامد نام پرندگان در خسرو و شیرین $\frac{۳}{۴۶}$ برابر لیلی و مجنون است.)

۲. در این دو اثر نظامی زاغ، باز، طاووس و کبک به ترتیب پرکاربردترین پرندگان هستند.
۴. از بین پرندگان طاووس، عنقا، هما، باز و زاغ بیانگر مفاهیم نمادین بیشتری هستند.
۵. بین مفاهیم نمادین بلبل، دراج و شاهین در خسرو و شیرین و لیلی و مجنون تطابق کامل وجود دارد.
۷. بین مفاهیم نمادین پرندگانی مثل باز، جغد، خروس، عنقا و فاخته در خسرو و شیرین و لیلی و مجنون هیچ تطابقی وجود ندارد.
۸. در مجموع از میان چهل و چهار مفهوم نمادین که پرندگان در این دو اثر دارند، ۲۹/۵ درصد آن مشترک در هر دو اثر، ۶۳/۵ درصد فقط در خسرو و شیرین و ۷ درصد فقط در لیلی و مجنون به کار رفته است.
۹. پرندگانی مانند بلبل، تذرو، خروس، دراج، زاغ، طاووس، فاخته، کبک و هما با مفاهیم نمادین غنایی همراه هستند. (۳۴ درصد مفاهیم نمادین پرندگان در این دو اثر دارای مایه‌های غنایی است).

پی‌نوشت

۱. در پی‌نوشت‌ها هر جا بیت یا ابیاتی آمده است، نمونه یا نمونه‌هایی دیگر از آن مفهوم نمادین است: "باز" استعاره از بخت نیک: شده زاغ سیه باز سپیدش / درخت بید گشته مشک بیدش (نظامی، ۱۳۹۲: ۱۸۸) استعاره از زیبارو: مه و شب‌دیز را در باغ می‌جست / به چشمی باز و چشمی زاغ می‌جست (همان: ۱۸۸)
۲. کبک شکستن: پی گم کردن، راز نهفتن (دهخدا، در زیر واژه)
۳. از این سو بارید چون بلبل مست / ز دیگر سو نکیسا چنگ در دست (نظامی، ۱۳۹۲: ۴۲۰)
۴. بلبل به هوای گل به گردست / مجنون ز فراق تو به دردست (همان، ۱۳۹۱: ۲۳۳) مجنون به لیلی می‌نویسد: آیا روزی می‌رسد که بگویند: من عاشق بر جای ابن سلام بی‌بهره از عشق نشسته‌ام: دهقان خسیس رفته از باغ / بلبل سنده نشیمن زاغ (همان: ۲۱۲)
۵. همایی کن برافکن سایه بر کار / ولایت را به جغدی چند مگذار (همان، ۱۳۹۲: ۱۴۲)
۶. چه باید ملک جان دادن به شوخی / که ننشیند کلاغش بر کلوخی (همان: ۴۱)
۷. لیلی با خود می‌گوید: گاهی عشق نیرویم می‌دهد که از این شوی بی‌بهره از عشق و از پدر روی‌گردان شوم. گه عشق دلم دهد که برخیز / زین زاغ و زغن چو کبک بگریز (همان، ۱۳۹۱: ۲۰۲)
۸. در اندیش ار چه کبکت نازنین است / که شاهینی - نه شاهی - در کمین است (همان، ۱۳۹۲: ۳۹۳)

۹. گل از گل تخت کاووسی برآرد/ بنفشه پر طاووسی برآرد (همان: ۲۲۶)
۱۰. شدند از جلوه طاووسان گسسته/ به پر زاغ رنگان برنشسته (همان: ۲۲۴)
۱۱. ز محنت رست هر کاو چشم در بست/ بدین تدبیر طوطی از قفس رست (همان: ۵۰۵)
۱۲. به ذره آفتابی را که گیرد/ به گنجشکی عقابی را که گیرد (همان: ۱۲۸)
۱۳. عقاب خویش (=اسب) را در پویه پر داد/ ز نعلش گاو و ماهی را خبر داد (همان: ۱۸۷)
۱۴. سخن‌های کهن زالی مطراست/ اگر زال زر است انگار عنقااست (همان: ۵۰۶)
۱۵. اگر با مرغ باید مرغ هم خفت/ تو سیمرغی بود سیمرغ بی جفت (همان: ۳۳۹)
۱۶. خدایی که سیمرغ را پاک آفریده و او را از وارونه کردن امور به دور داشته و قلب‌داری لشکر آتش را به پروانه بخشیده است. (همان: ۸۳۶/ مصحح)
۱۷. هر فاخته بر سر چناری/ در زمزمه‌ی حدیث یاری (همان، ۱۳۹۱: ۱۱۷)
۱۸. چو طاووسان زرین ده عماری/ به هر طاووس در کبکی بهاری (همان، ۱۳۹۲: ۴۴۷)
۱۹. اشاره شود که تعداد ابیات خسرو و شیرین بیشتر از لیلی و مجنون است؛ ولی با احتساب این موضوع باز هم تعداد دفعات تکرار در خسرو و شیرین در اغلب موارد بیشتر است.

منابع و مآخذ

۱. انوشه، حسن. ۱۳۸۱. فرهنگ‌نامه‌ی ادبی فارسی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات.
۲. پورداوود، ابراهیم. ۲۵۳۶. یشت‌ها. ج ۱، به کوشش بهرام فره‌وشی. تهران: دانشگاه تهران.
۳. _____ ۱۳۸۰. فرهنگ ایران باستان. تهران: اساطیر.
۴. خالقی‌مطلق، جلال. ۲۵۳۶. اساس اشتقاق فارسی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۵. دادگی، فرنیغ. ۱۳۸۵. بندهش. مهرداد بهار. تهران: توس.
۶. دوستخواه، جلیل. ۱۳۸۵. اوستا، کهن‌ترین سرودهای ایرانیان. تهران: مروارید.
۷. دهخدا، علی‌اکبر. لوح فشرده لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران.
۸. رضی، هاشم. ۱۳۸۵. وندیداد. تهران: حجت.
۹. نظامی گنجه‌ای. ۱۳۹۱. لیلی و مجنون. تصحیح بهروز ثروتیان. تهران: امیرکبیر
۱۰. _____ ۱۳۹۲. خسرو و شیرین. تصحیح بهروز ثروتیان. تهران: امیرکبیر
۱۱. وارنر، رکس. ۱۳۶۸. دانش‌نامه‌ی اساطیر جهان. زیر نظر ابوالقاسم اسماعیل‌پور. تهران: اسطوره.